

دانشگاهی و تکمیل زبان و ادب فرانسوی خود تلاش کرد. جناب فولادوند در آبان ماه ۱۳۴۳ (۱۹۶۴م) به تهران بازگشت و تا آخرین ماههای بیش از هشتاد سال از عمر پربار و برکتش، بی وقفه در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، مواد مختلف فلسفه، زیبایی‌شناسی، زبان فرانسه، تاریخ مذاهب و فرهنگ ایران و مسائل گوناگون قرآن پژوهی را تدریس کرده است. او عضو انجمن فلسفه ایران و علوم انسانی یونسکو و عضو انجمن شعرای فرانسه و نویسندگان فرانسه زبان بود. مجموعه آثار فرانسه و فارسی وی قریب به سی جلد است که در حدود پانزده جلد آن به چاپ رسیده است. برخی از آثار چاپ شده ایشان از این قرار است:

— ترجمه [رباعیات] عمر خیام، پاریس، مزون نو، ۱۹۶۰. طبع جدید آن با مقدمه و حواشی. و «سخنان تازه درباره عمر خیام و رباعیات او» به پیوست آن. تهران، فروغی.

— هیدا (در جست‌وجوی زیبایی)، چاپ فرهنگ و هنر (به فرانسه).

— سفونیه. چاپ فرهنگ و هنر (به فرانسه).

— زن در اندیشه خدا (به فرانسه)

— دیوان اشعار و نوشته‌ها (آثار فارسی - بخش یکم).

— ترجمه کتاب *الْمُقَدِّمِ مِنَ الضَّلَالِ* (= زندگی‌نامه خودنوشت فکری و فرهنگی غزالی، عنوان ترجمه فارسی اش رهنمای گمراهان، نشریات محمدی).

— نخستین درس زیبایی‌شناسی. انتشارات دهخدا.

— پاسکال - ونسی - بلندل. مجموعه کتابهای جیبی.

— زیباترین اشعار فرانسه (متن فرانسه و فارسی). انتشارات کندی. در سالهای اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، که بنیاد قرآن تأسیس شد، استاد فولادوند چند اثر قرآنی از نویسندگان برجسته معاصر عرب، نظیر سید قطب، به فارسی شیوایی ترجمه کرد که از سوی همان بنیاد منتشر شده است.

### درباره ترجمه قرآن

بی‌تردید مهم‌ترین اثر علمی استاد فولادوند ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی متعارف و معیارین امروز است. خود ایشان در مقاله کوتاه و پربار و پراطلاعی که درباره سابقه بیش از ۳۰ ساله آغاز ترجمه خود، به درخواست نگارنده این سطور، برای درج در دانشنامه قرآن و

## قرآن پژوه و ارسته محمد مهدی فولادوند

نوشته: بهاء الدین خرمشاهی

### اشاره

در نیمه مرداد ماه سال جاری، مردی از خاندان دین و دانش و از قرآن پژوهان معروف، روی در نقاب خاک کشید. شادروان محمد مهدی فولادوند (۱۲۹۹-۱۳۸۷) از نویسندگان کم‌کار و گزیده کار معاصر بود. چهار اثر قرآنی از او به یادگار مانده است: گلهایی از قرآن، تصویر هنری در قرآن (اثر سید قطب، و ترجمه ایشان)، مجموعه مقالات قرآن پژوهی و مهم‌ترین کارش ترجمه ممتاز از قرآن کریم به فارسی شیوا (۱۳۷۳). یاد این مترجم بزرگ را گرامی می‌داریم و مقاله مربوط به زندگی‌نامه کوتاه و نقد و بررسی ترجمه ایشان را از کتاب بررسی ترجمه‌های امروزی فارسی قرآن کریم (زیر چاپ) در این شماره از مجله درج می‌کنیم.

ترجمان وحی

### درباره مترجم

استاد محمد مهدی فولادوند فرزند شادروان محمد حسین بختیاری، در اول دی ماه ۱۲۹۹ در اراک متولد شد. او از سوی مادر، نوه حجة الاسلام حاجی آقا محسن اراکی و نبیره دختری مرحوم سید محمد علی تهرانی است. پس از طی تحصیلات اولیه و رایج به سبک جدید، در شهریور ۱۳۲۹ برای ادامه تحصیل به ویژه در رشته‌های شعر و ادب و هنر و زیبایی‌شناسی، به پاریس رفت و چهارده سال در آن شهر اقامت و در رشته‌های دلخواه

قرآن پژوهی نوشته‌اند، و در آن اثر چاپ شده (ج ۱/ص ۵۵۶-۵۵۷)، شرح روشنگری آورده‌اند

که با همه خوبی و مطلوبی اش، ناگزیر از نقل کوتاه شده آن هستیم: «حدود سی سال پیش (سال ۱۳۴۶ ش) بنده با احتیاط و تردید، جزئی از قرآن را به نام گلهایی از قرآن بیرون دادم. تردیدم از این جهت بود که مطمئن نبودم بتوانم در این کار دشوار موفق باشم. اما بحمدالله از این ترجمه استقبال خوبی شد. آقای جمالزاده یک نامه بلند برایم نوشت و خیلی من را به ادامه کار تشویق کرد. گوشه و کنار هم بنده را خیلی تشویق کردند. من هم با آمادگی و زمینه‌ای که در خود می‌دیدم به فکر افتادم که همه قرآن را



ترجمه کنم... ابتدا [بسیاری از] ترجمه‌های قرآن را به زبانهای فرانسه، انگلیسی، عربی [در این جا اندک مسامحه‌ای شده، مراد از «ترجمه عربی قرآن» بازنگاشت و تحریر امروزی و ساده‌تر قرآن کریم است که طبعاً تفسیری است و از مترادفات کلمات، مخصوصاً کلمات و تعبیرات دشوار قرآنی استفاده می‌کند] و فارسی دیدم... به خصوص ترجمه‌های فرانسوی را همه چند ده ترجمه‌ای [را] که از قرآن در زبان فارسی شده است، به دقت مطالعه کردم. در این مدت سی سال، کار من شده بود مقایسه این ترجمه‌ها با یکدیگر و ارزیابی کار مترجمها...

... به هر حال من اکثر کارهایی را که در زمینه ترجمه قرآن شده است، دیده‌ام و با توجه به تجربه‌ای که در فن ترجمه داشتیم، سعی کردم اشتباهات دیگران را تکرار نکنم. غیر از ترجمه، به تفسیرهای زیادی مراجعه کردم. از تفسیرهای علمی قرآن گرفته تا تفسیرهای متصوفه... غیر از مقایسه ترجمه‌ها، من بعد از اینکه ترجمه خودم را می‌نوشتم خیلی در پس و پیش کردن کلمات زحمت کشیدم. می‌خواستم در عین دقیق بودن ترجمه، آهنگ و آن لحن دلنواز قرآن هم تا حدی بازتاب داشته باشد. حتی گاهی ترجمه برخی آیات، یک وزن عروضی هم پیدا کرده‌اند: «آنگاه که خورشید به هم در پیچد، و آنگه که ستارگان همی تیره شوند». یا: «نزدیک شد قیامت و از هم شکافت ماه»... [دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ذیل مقاله ترجمه فارسی (فولادوند). همچنین برای شرح حال کامل تراستاد به همین اثر ذیل مقاله «فولادوند، محمد مهدی» مراجعه فرمایید.]

### چاپ‌ها و ویرایش‌ها

نخستین چاپ این کتاب در سال ۱۳۷۳ از سوی دارالقرآن الکریم «دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی» با تحقیق و بررسی و ویرایش هیئت علمی متشکل از حجج اسلام



محمد رضا انصاری محلاتی، سید مهدی برهانی، علی کرمی، محمد مروی، و «ویرایش نهایی» بهاء الدین خرّمشاهی، با نظارت بر تحقیق و نشر: حجة الاسلام محمد قاسم نصیرپور انتشار یافته است. تا آنجا که این جانب با خیر بودم و از ناشر دانشور و قرآن پژوه و بلند همت این اثر شنیدم، هیئت علمی چهار نفری که نام بردیم، دست کم سه سال با تشکیل جلسات گروهی، هفته‌ای دو تا سه جلسه، این اثر را به بهترین وجهی که تا امروز در تاریخ ویرایش و آراستن و پیراستن ترجمه

فارسی قرآن سابقه نداشته، تهذیب و تنقیح کرده‌اند. ناشر نیز از هیچ‌گونه صرف همت و حوصله و هزینه دریغ نورزیده، بلکه شاید پا به پای مترجم عالی مقام، در راه بهسازی این ترجمه کوشیده و از نظر سلیقه و مصالح چاپی نیز کمال سلیقه را به خرج داده است که شایسته تقدیر است. خوشا به سعادت مترجم کوشایی چون استاد فولادوند، و ناشر کاردانی چون جناب نصیرپور که کاری کارستان در ترجمه فارسی قرآن را به مسلمانان یا اسلام‌شناسان فارسی زبان ایران و جهان عرضه داشته‌اند. همین است که عده‌ای از صاحب نظران پس از ملاحظه و مطالعه و تا حدودی مقابله این ترجمه، گواهی نامه‌ای در تأیید ارج و اعتبار آن نوشته‌اند، که طبق تقسیم‌بندی‌های درونی ششگانه مقالات این کتاب، جای آن در بخش نقد و نظرهاست و بخش اصلی آن را در بخش بعدی این مقاله نقل خواهیم کرد.

اما در باب چاپ‌ها و ویرایش‌ها باید عرض کنم که پس از چاپ اول در بهمن ماه سال ۱۳۷۳ [= رمضان المبارک ۱۴۱۵ ق.]، این ترجمه تا امروز (۱۳۸۰) به چاپ سوم در قطع وزیری و کوچک تر رسیده است. در صفحه عنوان چاپ سوم ۱۳۷۶ عبارت «با تجدید نظر کامل» آمده است. اما منتقد دقیق‌النظری با مقابله چاپ سوم و اول به این نتیجه رسیده است که اگر هم تجدید نظری انجام شده، کامل نبوده، و سپس نقدی در ۴۹ صفحه دستنویس نوشته‌اند

که به آن اشاره خواهیم کرد. نیز گفتنی است که تعداد تجدید چاپ‌های این ترجمه که مقبول خاص و عام قرار گرفته است، بیش از سه بار، و تیراژ هر چاپ آن نیز به اصطلاح از حد متعارف «بالا تر» بوده است.

### نقد و نظرها

۱. استاد دکتر احمد احمدی، از صاحب‌نظران علوم اسلامی و از کوشندگان در راه پیوند حوزه و دانشگاه، و از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، و صاحب چندین اثر، به ویژه در زمینه فلسفه غربی و اسلامی، نقدی بر چند ترجمه از جمله ترجمه استاد فولادوند نوشته‌اند که در نشریه قرآنی بینات، سال چهارم شماره ۱۳ (بهار ۱۳۷۶) به طبع رسیده است. نام مقاله ایشان «بلای تقلید در ترجمه قرآن» است، و کما بیش یکطرفه پیش قاضی رفته‌اند. فقط همین یک جمله را عرض می‌کنم که ایشان به کلمه «أمنیة» (در سوره حج، آیه ۵۲) و ترجمه آن در ترجمه‌های استاد آیتی، فولادوند و خرمشاهی و دیگران (که آن را قرائت ترجمه کرده‌اند) ایراد گرفته‌اند، و همان معنای عادی کلمه را که با تمنی هم‌ریشه است، درست دانسته‌اند. خوب بود حضرت استاد توجه می‌فرمودند که این مترجمان، لابد آن معنای عادی و متعارف را می‌دانسته‌اند، و خوب تر از آن این است که دامنه تحقیق و تتبع خود را درباره این کلمه در حد ۲۰-۳۰ تفسیر و واژه‌نامه قرآنی قدیم و جدید گسترش می‌دادند، یا حال که این همه به درک ظرایف قرآنی علاقه دارند، اکنون که مجال تحریر حقیقت هست مراجعه فرمایند.

۲. حجة الاسلام والمسلمین محمدعلی کوشا، به حق یکی از قرآن‌شناس‌ترین استادان حوزه علمیه قم هستند که همه قرآن پژوهان با نقدهای عالی و علمی و محققانه و مؤدبانه ایشان بر ترجمه‌های قرآن کریم آشنا هستند. ایشان در یک مقاله نسبتاً بلند (۴۹ صفحه دستنویس)، که نسخه‌ای از آن در پرونده علمی مربوط به ترجمه جناب فولادوند در مؤسسه فرهنگی ترجمان وحی (در قم) محفوظ است، چنین نوشته‌اند: «پس از دریافت نسخه‌ای از چاپ اول، با میل و رغبت فراوان به مطالعه آن پرداختم. این ترجمه را در مجموع اثری نیکو، خوشخوان و روان یافتم. و بیشترین امتیازش را بر شماری از ترجمه‌های قرآن به «مطابقی بودن» ترجمه آن با متن آیات شناختم. این ترجمه گویا و رسا در «معادل‌یابی کلمات قرآن حتی الامکان از واژه‌های مأنوس زبان فارسی به گونه‌ای بهره جسته است که عموم اهل

مطالعه، اعم از دانش پژوهان عادی و فرهیختگان ادب پارسی و تازی، می‌توانند به خوبی از آن استفاده کنند... چاپ دوم آن بدون هیچ گونه تصحیح و بازنگری همچون چاپ اول پخش و منتشر گردید. هنگامی که در یکی از کتابفروشی‌ها، مؤدبه چاپ سوم آن را به من دادند، با شور و شوق فراوان مبادرت به خرید آن کردم و پیش از هر چیز به شناسنامه آن نگریستم. نوشته بود: «با تجدید نظر کامل!». از این خبر سخت خوشحال شدم و خدای را سپاس گفتم که ترجمه‌ای از قرآن کریم، پیراسته از نقایص در دسترس «همگان» قرار می‌گیرد. ولی پس از بررسی و مطالعه، با کمال تعجب دیدم موارد اصلاح شده آن به مراتب کمتر از اصلاح ناشده آن است. لذا پس از گذشت سه سال از چاپ اول آن، دریغ آمد که مجموعه ملاحظات خویش را بر این اثر نفیس، در معرض دید اهل مطالعه قرار ندهم. البته از میان دستنوشته‌های نقد چاپ اول، مواردی را که در چاپ سوم اصلاح شده بود، حذف کردم... سپس ۸۰ نکته انتقادی را با نظم و دقت - حتی در نحوه ارائه و عرضه ایرادات - مطرح کرده‌اند. نگارنده این سطور، این نقد علمی ارزشمند را با دقت و حتی المقدور با انصاف مطالعه کردم و حاشیه‌هایی در نقض یا ابرام اغلب موارد نوشتم و حدوداً در نیمه‌ای از انتقادات، حق را به ناقد ارجمند دادم، و در نیمه دیگر یادداشتی در توضیح و استدلال اینکه چرا نقد و نظر ناقد وارد نیست، نوشتم که در همان پرونده یادگار بماند، یا اگر اصل آن مقاله ارزشمند به چاپ نرسیده است، در نشریه‌ای قرآنی، همراه با حواشی این بنده - که آخرین ویراستار ترجمه آقای فولادوند بوده‌ام - به چاپ برسد.

۳. استاد مسعود انصاری قرآن‌شناس نامدار، صاحب یکی از دقیق‌ترین ترجمه‌های فارسی قرآن کریم، و نگارنده صدها مقاله کوتاه یا بلند قرآنی، به درخواست ناشری، جز ناشر اول، که از مترجم دانشور (جناب آقای فولادوند) اجازه تجدید نظر و تجدید چاپ ترجمه‌شان را گرفته بود، با دقتی زاید الوصف، این ترجمه را از آغاز تا انجام، منتقدانه با متن مقدس قرآن مقابله کردند و به گفته خودشان: «... ترجمه استاد فولادوند را نیز ویرایش کرده‌ام، اما تاکنون نقد و نظر بنده که بیش از یک هزار مورد است، سرانجامی نیافته، نه در ویرایش طبع جدید، نه به صورت مستقل به طبع نرسیده است و امید است که روزی به کار آید...» (دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، مقاله «انصاری، مسعود»).

۴. نقد و نظر قرآن پژوه کوشا و کاردان و باریک‌بین معاصر، جناب مرتضی کریمی‌نیا

تحت عنوان «نگاهی به ترجمه قرآن کریم [به قلم] محمدمهدی فولادوند» که در نشریه حوزه و دانشگاه، شماره ۳، در ۱۲ صفحه (۴۳-۵۴) به چاپ رسیده است. این نقد دقیق و مفصل، دقت و امانتداری کلی این ترجمه را ستوده، در عین حال ۱۴ نکته مهم انتقادی بر آن گرفته است که فقط مربوط به ترجمه دو جزء اول قرآن کریم است.

۵. در گزارش مربوط به بررسی ارزیابانه و انتقادی این ترجمه که جناب حجة الاسلام والمسلمین محمدرضا انصاری، در فرم ویژه نگاشته‌اند، و در پرونده علمی این ترجمه در مؤسسه فرهنگی ترجمان وحی محفوظ می‌ماند، درباره روش این ترجمه آمده است: «این ترجمه با نثر ادبی و روان و در صدی اندک از افزوده‌های توضیحی نگارش یافته است. در هر جا کلمه یا کلماتی به عنوان توضیح آمده در میان دو قلاب قرار گرفته و مطابقت کامل [؟] ترجمه با متن در آن مراعات گردیده است. حروف عطف و ادات تأکید در آن منظور شده و ریزه‌کاری‌های ادبی و بلاغی آیات مورد توجه قرار گرفته است». و در پاسخ به سؤال از نقاط قوت آن، نوشته‌اند: «... ۱) دقت در برگردان واژه‌ها و گزینش دقیق‌ترین و نزدیک‌ترین معنی به لفظ، ۲) سلیس و روان بودن ترجمه و داشتن نثری ادبی و روان، ۳) داشتن توضیحات ضروری در مواردی که حذف یا ایجاز و ابهام وجود دارد، ۴) مطابقت کامل [؟] ترجمه با متن و مراعات امانت در ترجمه آیات.» و درباره «نقاط ضعف» نوشته‌اند: «در بررسی اجمالی نقطه ضعفی در این ترجمه دیده نشد».

گفتنی است که جناب حجة الاسلام والمسلمین محمدرضا انصاری، این اظهار نظر را درباره چاپ اول این اثر کرده‌اند. اگر آنچه در مورد داشتن آن همه نقاط قوت، و نداشتن نقاط ضعف که می‌فرمایند، مطابق با واقع بود، اولاً چرا مترجم فرهیخته و ناشر فرزانه، با یاری همان گروه علمی، که جناب محمدرضا انصاری هم جزو آنان بوده‌اند، اقدام به تجدید نظر کامل کرده‌اند؟ ثانیاً نقد هشتاد نکته‌ای استاد محمدعلی کوشا - که بنده در نیمی از آنها با ایشان طلبه‌وار احتجاج کرده‌ام - حاکی از چیست؟ و نیز نقد استاد مسعود انصاری - مترجم و ویراستار عالیقدر چند ترجمه فارسی قرآن - که شامل هزار نکته است بر چه حمل می‌شود؟ ولی از حق نباید گذشت که ترجمه جناب فولادوند جزو بهترین و خوشخوان‌ترین و در مجموع دقیق‌ترین ترجمه‌های قرآن کریم به فارسی امروز است. اگرچه در میان بیش از هزار ترجمه فارسی که در بیش از هزار سال از قرآن کریم به عمل آمده، و تا ۶۰-۷۰ سال پیش

غالباً تحت اللفظی بوده‌اند، و بحمدالله در دهه‌های اخیر به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تحول و تکامل شگرفی یافته است. ترجمه‌ای که کمتر از صد - دویست اشکال لفظی - معنوی داشته باشد، پیدا نمی‌شود.

به عنوان سخن آخر و حسن ختام، با آنکه در این مقاله بیش از حد معهود، از توصیف به انتقاد، و حتی انتقاد انتقاد پرداختیم، که خود حاکی از اهمیت این ترجمه است، تقریظی را که عده‌ای از اهل نظر درباره این ترجمه نوشته‌اند و در پایان کتاب آمده است، نقل می‌کنیم:

«ترجمه فارسی جناب آقای محمدمهدی فولادوند... از حیث صحت و امانت، مطابقت با اصل در ایجاز و اطناب و تأکید، به کارگیری معادلهای مصطلح در فارسی امروزی و در عین حال پرهیز از زبان روزمره، روشنی و گویایی، روانی و شیوایی، سادگی و صلابت، رعایت ریزه‌کاری‌های ادبی و بلاغی، دخالت ندادن عنصر تفسیری در ترجمه، در میان ترجمه‌هایی که در پنجاه سال اخیر از این کتاب آسمانی عرضه و منتشر گردیده است، بهترین است...».

(کامران فانی، مهدی محقق، محمدعلی مهدوی راد، مصطفی ملکیان، بهاء‌الدین خرمشاهی).

#### نمونه ترجمه

##### الف: ترجمه آیه الكرسي

«خداست که معبودی جز او نیست؛ زنده و برپا دارنده است؛ نه خوابی سبک او را فرو می‌گیرد و نه خوابی گران؛ آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست. کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟ آنچه در پیش روی آنان و آنچه در پشت سرشان است می‌داند. و به چیزی از علم او، جز به آنچه بخواهد، احاطه نمی‌یابند. کرسی او آسمانها و زمین را در بر گرفته، و نگهداری آنها بر او دشوار نیست، و اوست والای بزرگ. در دین هیچ اجباری نیست؛ و راه از بیراهه به خوبی آشکار شده است. پس هر کس به طاغوت کفر ورزد، و به خدا ایمان آورد، به یقین، به دستاویزی استوار، که آن را گسستن نیست، چنگ زده است. و خداوند شنوای داناست. خداوند سرور کسانی است که ایمان آورده‌اند. آنان را از تاریکیها به سوی روشنایی به در می‌برد. و [ولی] کسانی که کفر ورزیده‌اند، سرورانشان [همان عصیانگران] طاغوتند، که آنان را از روشنایی به سوی تاریکیها به در می‌برند. آنان اهل آتشند که خود، در آن جاودانند.» (سوره بقره، آیات ۲۵۵-۲۵۷).

ب: ترجمه آیه نور

«خدا نور آسمانها و زمین است. مثلی نور او چون چراغدانی است که در آن چراغی، و آن چراغ در شیشه‌ای است. آن شیشه گویی اختری درخشان است که از درخت خجسته زیتونی که نه شرقی است و نه غربی، افروخته می‌شود. نزدیک است که روغنش - هرچند بدان آتشی نرسیده باشد - روشنی ببخشد. روشنی بر روی روشنی است. خدا هر که را که بخواهد با نور خویش هدایت می‌کند، و این مثلها را خدا برای مردم می‌زند و خدا به هر چیزی داناست.» (سوره نور، آیه ۳۵).

#### منابع

در متن مقاله یاد شده است.

■